

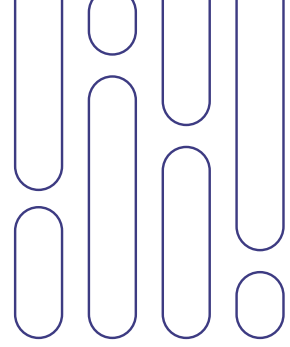
گزارش

دورنمای سیاست خارجی ایران.. خوانشی در سخنرانی خامنه ای

26 ژوئن 2023م



RASANAHA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست

- اول: ویژگیها و اصول سیاست خارجی ایران 3
- دوم: خوانشی در سخنان خامنه ای و دلالت های آن 6
- سوم: تأثیرات سخنرانی خامنه ای بر سیاست خارجی ایران 9
- برآیند 11

علی خامنه ای رهبر ایران در دیدار اخیر خود با کادر وزارت خارجه که در 20 می گذشته صورت گرفت، در مورد مدیریت روابط ایران با کشورهای جهان در دوره پیش رو، چارچوبهای جدیدی مشخص کرد که عبارتند از: حضور فعال و هدفمند در مسائل و رویدادها و رویکردهای سیاسی و اقتصادی در جهان، توانمندی در تبیین قناعت بخش منطق رهیافتهای کشور در مسائل مختلف، مقابله با سیاستها و تصمیماتی که ایران را تهدید می کنند، تضعیف مراکز خطرناک، توانایی تشخیص جوانب مخفی در تصمیمات و اقدامات منطقه ای و جهانی، حمایت از دولتها و گروههای همپیمان و طرفدار ایران و گسترش عمق راهبردی کشور.

ملاحظه می شود که در این چارچوب بیشتر بر دو هدف اساسی یعنی تلاش برای رهایی از فشارهایی که از هر سو کشور را احاطه نموده، و نیز ادامه طرح نفوذ و توسعه طلبی خارجی تأکید دارد.

در این گزارش، چارچوب تازه خامنه ای در مورد سیاست خارجی ایران را زیر ذره بین می بریم و در این راستا، به سه مسأله اساسی می پردازیم که عبارتند از: ویژگیها و اصول ثابت سیاست خارجی ایران، خوانشی در سخنانی خامنه ای و نشانه های آن، و تأثیرات سخنانی خامنه ای بر سیاست خارجی ایران.

اول: ویژگیها و اصول سیاست خارجی ایران

در سیاست خارجی ایران مجموعه ای از اصول و قواعد کلی به عنوان اساس نظام است که نظام سیاسی بر اساس آن اداره می شود. این اصول اساسی با بقا و تداوم نظام ارتباط تنگاتنگی دارند که عبارتند از:

یک. محوری بودن ایدئولوژی و هویت ملی در سیاست خارجی ایران

سیاست خارجی ایران حول نظریه ولایت فقیه و اصول مذهبی حاکم بر نظام ایران استوار است. البته در ایران اصل نژاد فارس نیز از جایگاه محوری برخوردار است. نظریه ولایت فقیه و هویت ملی در سیاست خارجی ایران در هویت دینی کشور و در ماهیت نظام حاکم تبلور یافته است. روحانیون در ایران سیاست خارجی کشور را بر اساس ماهیت و مبادی نظریه ولایت فقیه و هویت ملی در روابط خارجی کشور تدوین می کنند.

ایدئولوژی و هویت ملی در سیاست ایران جایگاه محوری دارد. از این رو، سیاست ایران بر چند اصل استوار است که عبارتند از: جهانی بودن حکومت اسلامی که ولی فقیه ولی امر تمامی مسلمانان جهان است، تأکید بر ایجاد هویت فارسی به گونه ای که در داخل ایران نژاد فارس را در مقابل سایر هویت های غیر فارس برتری می بخشد. استقلال و مخالفت با سرسپردگی که برای مخالفت با الگوی غربی تلاش می شود با ایجاد جمهوری موهوم جهانی یک هویت و الگوی متفاوت خلق کند. و بدین سان ایران جهان را به دو بخش قدرتهای استکباری (ایالات متحده و همپیمانانش) و مستضعفین (ایران و همپیمانانش) تقسیم بندی کرده است.

هدف اصلی سیاست ایدئولوژی محور و ملی گرای ایران همانا حفظ و تداوم نظام است. و عقیده بر این است که تمسک به نظریه ولایت فقیه و هویت ملی ضامن بقا و تداوم نظام است. از این رو، مأموریت آزادیبخش مداخله جویانه از راه صدور انقلاب و ترویج تشیع، بر اساس آزادسازی ملتها و یاری مستضعفان شیعه در تمام نقاط زمین، از مهمترین مأموریتهای نظام است که این خود، ضامن بقا و تداوم نظام نیز هست.

دو. موضع مذهبی، ملی و انقلابی در برابر خارج، در قانون اساسی جای دارد

ماهیت مذهبی، ملی، انقلابی و مداخله جویانه تنها در اندیشه روحانیونی که حاکمان ایران هستند، و در نظریه ولایت فقیه خلاصه نمی شود بلکه این اندیشه و اصول مذهبی، انقلابی و مداخله جویانه در معتبرترین سند ایران که همان قانون اساسی کشور است نیز آمده است. داستان به همین جا خلاصه نمی شود بلکه مسلماً، در جای جای قانون اساسی صراحتاً از فرقه گرای، و ماهیت ایدئولوژیک و انقلابی ایران برای یاری مستضعفان یاد شده است. محتوای سیاست خارجی و نیز ابزارها، مراکز و رویکردهای سیاست خارجی ایران در قبال جهان بر اساس همین اصول تدوین شده است.

بر اساس قانون اساسی، نظریه ولایت فقیه عبارت از یک پروژه جهانی شیعی به رهبری ولی فقیه در ایران است؛ به ویژه اینکه در قانون اساسی موادی وجود دارد که به ایران اجازه می دهد: در امور داخلی کشورها دخالت کند، حاکمیت کشورها و تمامیت ارضی آنها را نادیده بگیرد و اصل حسن همجواری را زیر پا نهد. زیرا در مقدمه قانون اساسی و نیز در مواد آن، بر اصل صدور انقلاب تصریح شده است.

نظر به اینکه بخش عظیمی از شیعیان ایران آماده دفاع از نظام و ارزشهای آن هستند و در این راه تا پای جان ایستاده اند، قانون اساسی با تأکید بر این اصل، امتیاز و قدرت زیادی به نظام بخشیده است. و ایران را ام القرای شیعیان اعم از شیعیان خاورمیانه و سایر نقاط جهان قرار داده است که این نیز یک منبع قدرت برای نظام است.

سه. توجه به ماهیت عملگرایانه در سیاست خارجی ایران

در حالیکه به بهانه حمایت از مستضعفان و دفاع از زیارتگاه ها در خارج، ایدئولوژی انقلابی و مداخله جویانه در سیاست خارجی ایران جا خوش کرده است، اما سیاست خارجی ایران از ماهیت عملگرایانه نیز تهی نیست؛ به این معنا که در تعامل با رخدادهای و برقراری روابط و ورود در هر ائتلافی، منفعت حرف اول را می زند. از این رو، در صورتیکه ارزشهای انقلاب با منافع والای کشور تعارض داشته باشد، معمولاً نظام به منفعت بیشتر بها می دهد و این تفسیر عملی نرمش قهرمانانه است که رهبر قبلاً از آن سخن گفته بود. اگر گفتگوها با قدرتهای - از نگاه ایران - استکباری به نفع ایران باشد، در این صورت همانطور که محمد جواد لاریجانی نیز گفت، مقامات ایران برای گفتگو با همتایان امریکایی خود در هر جایی آمادگی تام دارند که نمونه عملی آن قرارداد "ایران کنترا" و نیز فروش نفت به کشورهای اروپایی برای خرید اسلحه از روسیه، چین و کره شمالی است. نمونه دیگر مشی مصلحت گرایانه ایران همان رابطه تنگاتنگ ایران با جنبشهای سنی مذهب حماس و جهاد است. در حالیکه رابطه ایران با کشور آذربایجان که اکثریت مردم آن شیعه مذهب هستند، در مقایسه با سایر کشورهای منطقه پرتنش ترین رابطه است، با ارمنستان مسیحی که با آذربایجان دشمنی دارد، رابطه بسیار حسنه ای دارد. و در این مورد بهترین توضیح همان اظهارات خامنه ای است که گفته بود: "وقتی به کشورهایی که با آنها رابطه داریم می نگریم، در واقع به منافع خود می نگریم".

چهار. ماهیت انقلابی: بحرانهای داخلی و انزوای بین المللی

این سیاستهای انقلابی، فرقه گرا، ملی گرا و مداخله جویانه، ایران را در وضعیت بسیار پیچیده ای قرار داده است تا جایی که اعتراضات گسترده مردمی نزدیک است بنیان نظام را از جا برکنند. مردم خواهان اصلاحات اساسی و تغییرات عمده

در سیاست داخلی و خارجی هستند. چرا که سیاستهای کنونی وضعیت وخیمی را رقم زده و به مشکلات سیاسی، نژادی و مذهبی دامن زده است. به عنوان مثال، وضعیت معیشتی مردم بسیار وخیم گشته و نرخ بیکاری، تورم و بزهکاری افزایش یافته و ارزش پول ملی به شدت کاهش یافته است. از لحاظ سیاسی، اعتراضات گسترده و پیاپی مردمی نظام را خسته کرده است و بحرانهای سخت داخلی خود را نشان داده و صدای اصلاح طلبان برای انجام اصلاحات قانون اساسی بلند شده است. از لحاظ نژادی، بخاطر اینکه ایران به نژاد فارس اهمیت می دهد، تنش نژادی و قومی در ایران بالا گرفته است. از نظر مذهبی نیز باید گفت که چون ایران به پیروان مذهب تشیع اولویت می دهد، صدای اعتراض پیروان مذاهب دیگر درآمده است.

این درحالیست که ایران هم از طرف کشورهای عربی و هم در منطقه و جهان منزوی شده است. سیاستهای ایران علاوه بر اینکه اعتراض کشورهای دیگر منطقه را به دنبال داشته، به مناقشات سیاسی و اختلافات مذهبی در این کشورها دامن زده است. زیرا ایران از بازوهای نیابتی خود که بازیگران غیردولتی هستند حمایت می کند، به هیچ یک از کنوانسیونهای بین المللی در مورد احترام به مرزهای بین المللی، حق حاکمیت کشورها، عدم دخالت در امور داخلی کشورها و رعایت حسن همجواری پایبندی ندارد. و سیاست خارجی خود را به گونه ای تدوین می کند که از لحاظ راهبردی و ایدئولوژیک با منافع به اصطلاح قدرتهای استکبار در تضاد باشد و برای دفاع از آنچه در سیاستهای ایران به عنوان منافع تعریف شده است، به مسابقه تسلیحاتی روی آورده است. همین سیاستها است که شرایط داخلی و خارجی بسیار سختی را برای ایران رقم زده است. تا جاییکه اکنون نظام ناچار به مصالحه و تنش زدایی منطقه ای روی آورده و برای اعمال تغییراتی - ولو به طور تاکتیکی - در سیاست خارجی خود آماده شده است.

دوم: خوانشی در سخنان خامنه ای و دلالت های آن

سخنان خامنه ای علاوه بر اینکه رویکرد دستگاہ دیپلماسی ایران را تعیین می کند، حاوی پیامهای اطمینان بخش و تهدید آمیزی نیز بود. با توجه به اینکه در سیاست خارجی پرونده های منطقه ای و بین المللی با یکدیگر گره خورده اند، برای درک

بهرتر محتوای این سخنرانی، باید آن را بخش بخش کرد تا معلوم گردد کدام پیام بطور مستقیم یا غیر مستقیم متوجه کدام طرف خارجی بوده است.

یک. تمسک به اصول سیاست خارجی

علی خامنه ای رهبر ایران برپایبندی کشورش به اصول سیاست خارجی و رفتار حکیمانه در اجرای این اصول تأکید کرد که منظور از آن، تعاملات و رفتارهای حکیمانه و سنجیده است و یکی از مصادیق آن نشان دادن نرمش در مواقع ضروری برای عبور از گردنه های سخت و ادامه مسیر اصلی دیپلماسی در راستای منافع کشور است. و صد البته که چنین رفتاری با پاسداری از اصول و ارزشها منافاتی ندارد. زیرا مصلحت ایجاب می کند که برای غلبه بر مشکلات و نیز ادامه تلاشها در مسیر هدف باید راهی پیدا کرد. او درباره برداشت نادرست از عبارت ”نرمش قهرمانانه“ که اندکی قبل از امضای برجام 2015 میلادی گفته بود، مثالی بیان کرد.

دو. تقویت روابط با همپیمانان

منظور خامنه ای از تمسک به اصول سیاست خارجی ایران، ادامه حمایت از بازیگران غیردولتی همپیمان ایران یعنی گروههای شبه نظامی مورد حمایت ایران در منطقه است و از آنجا که این گروهها یکی از مصادیق عینی اصول سیاست خارجی ایران است، تهران ارتباط خود را با آنان قطع نخواهد کرد. در همین زمینه، خامنه ای آنجا که بر تقویت ”دولتها و گروههای همپیمان ایران و توسعه عمق راهبردی کشور تأکید کرد، صراحتاً به حمایت از گروههای شبه نظامی نیز اشاره کرد. و این یک پیام واضح و مستقیمی است مبنی بر اینکه ایران همچنان به حمایت از بازوهای نظامی که عامل گسترش و تقویت نفوذ ایران و کسب عمق راهبردی در بسیاری از کشورهای عربی هستند، ادامه خواهد داد. از صحبت های خامنه ای چنین برداشت می شود که اگر ایران از حمایت گروههای شبه نظامی دست بردارد، عمق راهبردی خود را از دست خواهد داد. این درحالیست که خامنه ای از دستگاه دیپلماسی می خواهد که عمق راهبردی را گسترش دهد.

سه. اطمینان بخشی به منطقه به رعایت حسن همجواری

خامنه ای در سخنان خود به رابطه با کشورهای همسایه نیز اشاره کرد و گفت که دولت فعلی سیاست و رویکرد بسیار مهم و درستی را در پیش گرفته است. در عین حال، او گفت که قدرتهای بزرگ در منطقه سیاست خرابکارانه را دنبال

می کنند و همواره تلاش می کنند میان ایران و کشورهای همسایه اختلاف ایجاد کنند و نباید اجازه داد که آنان در منطقه سیاست خود را محقق سازند. در همین زمینه، از برخی عبارتها در سخنان خامنه ای چنین برداشت می شود که بطور ضمنی اشتباهات تهران در تنش آلود کردن رابطه با پادشاهی عربستان سعودی را پذیرفته است. او گفت که هر گامی در سیاست خارجی باید منطقی و کاملاً حساب شده باشد. در برخی اوقات، برخی تصمیمات و رفتارهای ماجراجویانه و غیرمسئولانه به کشور آسیب زده است. اما رهبر که درباره سوء برداشت از عبارت نرمش قهرمانانه مثالی هم ذکر کرد، در اینجا برای توضیح بیشتر، هیچ مثالی نزد ولی یقیناً برخی رفتارهای ماجراجویانه ایران تأثیرات منفی آشکاری داشته است و بی تردید حمله به اماکن دیپلماتیک کشورها که خلاف عرف و اصول حقوق بین المللی است یکی از مصادیق این رفتارهای ماجراجویانه است.

سومین اشاره خامنه ای به کشورهای همجوار بود که از رابطه همبستگی میان سیاست داخلی و سیاست خارجی سخن گفت. او بر اهمیت سیاست خارجی در اداره کشور و تقویت سیاست خارجی تأکید کرد. در مقابل، تنشها و مشکلات در سیاست خارجی بر اوضاع کلی کشور تأثیر می گذارد. از این نکته چنین برداشت می شود که تهران در تلاش است برای پاسداری از دستاوردهای اقتصادی و نیز جلوگیری از ناآرامیهای ناشی از بحرانهای اقتصادی که نظام را با خطر نابودی مواجه کرده است، از هرگونه تنش در روابط با کشورهای همسایه پرهیز کند.

چهار. پیام به قدرتهای بزرگ.. عزت و پرهیز از التماس

درباب سخن از رابطه ایران با قدرتهای بزرگ، ادبیات تهدید و خصومت در سخنان خامنه ای غالب بود. او به دستگاه دیپلماسی توصیه کرد در تمام مسائل جهانی و در گفتار و رفتار و واکنش در مقابل رفتار دیگران عزتمندانه رفتار نمایند. منظور رهبر از "عزت" پرهیز از دیپلماسی التماس است. وی همچنین از تغییر در نظام بین المللی سخن گفت که یک روند طولانی مدت و همراه با فراز و نشیب ها و رخدادهای پیش بینی نشده است. او همچنین از تقویت روابط ایران با روسیه و چین و همکاری و نزدیکی سخن گفت که برخلاف برخی جریانها و خط مشی سیاستهای بین الملل، یک پدیده بی سابقه است.

سوم: تأثیرات سخنرانی خامنه‌ای بر سیاست خارجی ایران

در مورد این سخنرانی چندین نکته قابل توجه است:

نکته اول: این سخنرانی به منزله یک راهنما است: این سخنرانی خامنه‌ای برای تمام نهادهای تصمیم‌ساز سیاست خارجی ایران یک سند و راهنما محسوب می‌شود. در واقع محتوای سخنرانی خامنه‌ای، حاصل اجماعی است که در داخل نظام در طی چندین ماه گذشته در مورد سیاست خارجی و موضع کشور در قبال مسائل متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی حاصل شده است و در نهایت در قالب سخنرانی خامنه‌ای بیان می‌شود.

نکته دوم: سخنرانی با موضوعات کلی و مبهم: علی‌رغم اینکه خامنه‌ای به رخدادها اشاره‌ای داشت، اما در مورد هیچ‌کدام از مسائل موضع صریحی بیان نکرد. او با این شیوه برای خود این فرصت را باقی گذاشت تا در آینده موضع خود را در قبال هر کدام از مسائل خارجی تغییر دهد بدون اینکه پیامدهای آن را بپذیرد. و این شیوه با "تقیه سیاسی" که همچنان بر سیاست خارجی ایران سایه افکنده، کاملاً سازگار است.

نکته سوم: سخنرانی توجیهی و دوپهلوی: پیداست که سخنرانی خامنه‌ای بیشتر جنبه توجیهی داشت. زیرا از یک سو، او بر یکی از مهمترین اصول سیاست خارجی ایران که همانا تمسک به ماهیت ایدئولوژیک و اولویت پاسداری از جمهوری اسلامی است، تأکید کرد اما از دیگر سو، او به مفهوم نرمش قهرمانانه نیز پرداخت و آن را به معنای مصلحت‌تعریف کرد؛ به این معنا که در مواقع لزوم برای عبور از موانع سخت باید نرمش به خرج داد. گویی خامنه‌ای راه را برای امتیاز دادن در مسائل خارجی هموار می‌سازد با این توجیه که «پاسداری از اصول منافاتی با مصلحت به آن معنایی که بیان شد، ندارد». و شاید این اصل، شاه‌کلید فهم تأثیر این سخنرانی خامنه‌ای بر رفتار و گزینه‌های ایران در مرحله پیش رو باشد. هرچند که این اصل ایدئولوژیک در برخی اوقات نیازمند نرمش در برخی مسائل است، اما از نظر خامنه‌ای این نه عقب‌نشینی بلکه عین ایدئولوژی است.

می‌توان گفت که بعد از تفکیک نهادها مخصوصاً وزارت خارجه و شورای امنیت ملی، و یکپارچه ساختن طرفی که مجری سیاست خارجی ایران است، این سخنرانی خامنه‌ای تکلیف عبداللهیان و تیم وی در وزارت خارجه را تعیین کرد. و

تأثیر این سخنرانی بر برخی مسائلی که ایران درگیر آن است، روشن خواهد شد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یک. نرمش در مورد مذاکرات هسته‌ای

بر این اساس، انتظار می‌رود که رفتار وزارت خارجه ایران در قبال بسیاری از مسائل با نرمش بیشتری همراه گردد و این نرمش اقتضای مصلحت در قالب عبور از چالش‌های کنونی است؛ حتی اگر این امر با رویکردهای ایدئولوژیک و اصیل نظام در تضاد باشد که نمونه آن نرمش در پرونده هسته‌ای است. خامنه‌ای با این سخنرانی خود به دولت رئیسی و به هیأت مذاکره‌کننده وزارت خارجه به سرپرستی مذاکره‌کننده ارشد علی باقری چراغ سبز نشان داد تا مذاکرات را از سر گیرند و احتمالاً با ایالات متحده در مورد احیای برجام به توافقاتی نیز دست یابند؛ به ویژه اینکه، اکنون که شمخانی از دبیر کلی شورای عالی امنیت ملی برکنار شده، اختیارات وزارت خارجه در پرونده هسته‌ای نیز گسترده‌تر شده است.

دو. حفظ دشمنی با ایالات متحده

احیای برجام به معنای تغییر موضع ایران در قبال ایالات متحده نیست. خامنه‌ای بر عدم اعتماد به طرفهای دیگر تأکید می‌کند احتمالاً منظور وی ایالات متحده است. و این امر نشان می‌دهد که خامنه‌ای می‌خواهد همچنان همان موضع دیرین و ضد امریکایی ایران را حفظ کند. این سخنرانی خامنه‌ای یادآور موضع ایران بعد از امضای برجام در سال 2015 میلادی است که ایران تلاش نمود از برجام نهایت استفاده را ببرد و در عین حال نگذارد که برجام موجب نزدیکی بین تهران و واشنگتن شود. و حتی خامنه‌ای بعداً چندان به برجام روی خوش نشان نداد و این امر به سپاه پاسداران اجازه داد تا به رفتارهای خصمانه خود ادامه داده و فرصتهای سازش با امریکا را برای همیشه بر باد دهد.

سه. همکاری نزدیکتر با چین و روسیه و ائتلافهای بیشتر با قدرتهای ضد سلطه

خامنه‌ای بر سیاست ایران مبنی بر نگاه به شرق تأکید کرد. و این امر به معنای نزدیکی با چین و همکاری بیشتر با روسیه در جنگ اوکراین است. و این با رویکرد کلی ایران که همانا تقویت ائتلافهای ایران با قدرتهای ضد امریکایی و قدرتهایی که تلاش می‌کنند به یک جانبه‌گرایی امریکا در صحنه بین الملل پایان دهند، و نیز با تلاش برای بی‌اثر کردن ابزارهای نفوذ امریکا که از جمله آنها تحریمها و کنترل

داد و ستدهای مالی بین المللی است، کاملاً همخوانی دارد. و در راستای دشمنی با امریکا است که خامنه ای بر همکاری با کشورهای اسلامی و قدرتهای متوسط ضد امریکایی تأکید می کند. تأثیر این سخنان خود را در سیاست خارجی ایران نشان خواهد داد که دوری از غرب و ایالات متحده در مرکز این سیاست جای دارد. و تلاش برای تقویت روابط با کشورهای همسایه در آسیای میانه و قفقاز و برخی کشورهای آفریقایی بخش دیگری از سیاست خارجی ایران است.

چهار. عادی سازی روابط با پادشاهی عربستان سعودی در عین حفظ نفوذ و رابطه با همپیمانان منطقه ای

خامنه ای از موضع خصمانه در قبال کشورهای خلیج و پادشاهی عربستان سعودی عقب نشسته است. و این نکته را نباید از یاد برد که تصمیم به عادی سازی روابط با عربستان سعودی و امضای توافقنامه عربستان سعودی و ایران که با وساطت چین میسر شد، با چراغ سبز خامنه ای که والاترین مقام تصمیم گیرنده در سیاست خارجی ایران است، ممکن گشت. از این مطلب چنین برداشت می شود که خامنه ای همچنان از این توافق و بهبود روابط با عربستان سعودی به عنوان اولویت منطقه ای ایران حمایت می کند. با این همه، در صحبتهای خامنه ای نکاتی وجود دارد که میان عادی سازی روابط و کاهش تنش با رفتار منطقه ای ایران پارادوکس خلق می کند. زیرا خامنه ای علی رغم اینکه در ظاهر برای روند عادی سازی روابط با عربستان سعودی و کشورهای خلیج عزم جدی دارد، اما او همچنان بر حمایت از همپیمانان ایران در منطقه مصمم است. و این به معنای این است که شاید ایران واقعا آمادگی آن را نداشته باشد که برای اجرای موفقیت آمیز این توافق، از مواضع پیشین خود عقب نشینی کند. در نتیجه، این توافق بیش از آنکه یک رویکرد راهبردی باشد، یک گام تاکتیکی و راهکنشی است. و ایران در محاسبات خود به این نتیجه رسیده است که در زمان کنونی برای کاهش فشارهای داخلی و نیز برای برون رفت از انزوای فزاینده بین المللی، چنین توافقی بسیار مهم و کارساز است.

برآیند

این سخنرانی خامنه ای به معنای این نیست که وی از مواضع دیرین خود در سیاست خارجی عدول کرده است. او در این سخنرانی به شرایط داخلی و خارجی

ایران پرداخت. همچنین اجماع داخلی که بعد از انتخاب رئیسی در مورد بسیاری از مسائل خارجی شکل گرفته در این سخنرانی خود را نشان داد. درست است که این سخنرانی به منزله خطوط راهنما است، اما حکایت از رفتار واقعگرایانه تر در مورد مسائل بین الملل را نیز دارد؛ آنها بدون اینکه به مواضع دیرین نظام در قبال ایالات متحده و یا نفوذ منطقه ای و یا رابطه با قدرتهای بین المللی ضد امریکایی خللی ایجاد شود. علی رغم تنش زدایی احتمالی در مورد پرونده هسته ای و پاسداری از روند عادی سازی روابط با عربستان سعودی و کشورهای همسایه، خامنه ای همچنان بر این نکته تأکید دارد که این موضعگیریها بر اساس مصلحت صورت می گیرد. و این موضعگیریها را برای داخل چنین توجیه می کند که این یک نوع نرمش و از روی ناچاری است. اینجاست که نباید زیاد خوشبین بود بلکه باید دید که آیا این موضع در آینده عملی خواهد شد یا اینکه خامنه ای بعد از اینکه نظام را از بحران کنونی نجات دهد، همچنان سیاستهای خصمانه و مداخله جویانه ایران را ادامه خواهد داد، همانطور که بعد از امضای برجام در سال 2015 اتفاق افتاد و خامنه ای چندان از برجام استقبال نکرد؟ به ویژه اینکه رفتار کنونی ایران بر این واقعیت تأکید دارد که تغییر واقعی در روش ایران همچنان دور از دسترس است.



✉ info@rasanahiiis.com

🐦 [@rasanahiiis](#) [@rasanahiiis](#)

🌐 www.rasanah-iiis.org

